

متن پرسش

مدتی این گفتگو تاخیر شد، سخت پر از سخنم و گره‌های مهیبی که بر جانم افتاده، زبانم را سنگین کرده اما نتوانستم دست از این نوشتار بردارم و سخنی که مدتهاست در جهان درونم پرسه می‌زند به زبان نیاورم. استاد بزرگوار بحمدالله افرادی کم و بیش با فضای فکری و معنوی حضرتعالی آشنا شده‌اند و شاگردی می‌کنند و کم و بیش ابراز ارادت می‌کنند. اما در این نوشتار خواستم از لایه‌ای درونی تر از شخصیت شما از کسی که شاید قلم است برای زبان شما، حکمت است برای بیان شما برای کسی که خود را به همان اندازه که مدیون شما می‌دانم، مدیون ایشان می‌دانم، قدردانی کنم. از همسر بزرگوارتان که به درک من قلب گروه لب‌المیزان است، پشتوانه جلسات منظم و پرمحتوا و آرامش حضرتعالی برای مطالعه تفکر است. علامه طباطبایی در ستایش همسران فرمودند اگر او نبود، المیزان نبود و بنده در قدردانی از بانویی که حتی به نام ایشان را نمی‌شناسم، بی‌شک می‌گویم اگر او نبود لب‌المیزان نبود. به مقام غیبی زن در عالم توحید زیاد اندیشیده‌ام. که منظورم پنهان شدن زن در پستوی خانه‌اش نیست، زن سرزمینی است که انسان‌ها در آن بزرگ می‌شوند، پناه می‌گیرند و مظهر نام نعم الماهدون هم هست. اگر زهرای اطهر حجه حجج الله است، بانویی که در سیر توحیدی به ایشان اقتدا می‌کند، استاد است، غیب لب‌المیزان است و هیچ کس نامش را نمی‌داند در آغاز هیچ کتاب و اثری از او تقدیر نشده و اصلاً تمنای این نام‌آوری‌ها را ندارد. هرچه به دستگیری فکری و معنوی حضرتعالی مدیونیم، به این بزرگوارهم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بگذارید از روح انقلاب اسلامی بگویم که هر آن‌کس در فضای آن روح قرار گرفت، گویا از ابتدا جایگاه انتهایی‌اش را حس می‌کند و به سوی آن که «نه هنوز!» است، جلو می‌رود و روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود و این امری است که بنده در همه کسانی که در متن انقلاب، صادقانه حاضر شده‌اند، تجربه نموده‌ام. جنابعالی متذکر امری شدید از موضوعی تا راهی باشد برای همگان شما. موفق باشید